



## سیرجان در منابع تاریخی

استاد: ناصر فکوهی

دانشجو: پریا آذرافزا

## سیرجان:

برای بازیابی اطلاعاتی درباره سیرجان، از نوشته‌های نویسندگان و مورخین در طول قرون و اعصار کمک می‌گیریم. قدیمی‌ترین سندی که اطلاعاتی درباره سیرجان به ما می‌دهد، نوشته ابن اثیر است، که می‌نویسد «گشتاسب که یکی از پادشاهان قدیم ایران بود و دین سلیمان داشت، دین زرتشت را پذیرفت و در کوهستانی که «تمبور» نام داشت جای گرفت و در حالت تقیه به عبادت مشغول شد».

استاد دکتر باستانی پاریزی عقیده دارد، این کوه، همان کوه تمبور است که در مشرق سیرجان و حدود چهار گنبد قرار گرفته. (وثوقی رهبری، ۱۳۷۲: ۱۵)

حمدالله مستوفی در تاریخ گزیده، درباره گشتاسب می‌نویسد: «ابن لهراسب بن اروند شاه بن کی پشن بن کیقباد، در شهر حلب تخت و تاج ایران بدو رسید. به پادشاهی نشست. زرتشت پیشوای گبران به عهد او دعوت کرد. گشتاسب دین گبری بپذیرفت و ایرانیان را الزام نمود، تا گبری اختیار کردند»



نصویر ۱: نمایی مربوط به قبل از مرمت شاه‌فیروز

شاه فیروز که بصورت مقبره‌ای در نزدیکی قلعه سنگ و در سه کیلومتری آن در جوار دهی بنام فیروز آباد (مشهور به شاه آباد) قرار دارد و بصورت ساختمان آجری چهار طاقی است، بنا به نوشته فرهنگ جغرافیایی ایران و بنا به توضیحات فوق به احتمال زیاد آتشکده بوده است.

بنا به نوشته بعضی از کتب تاریخی، قدمت سیرجان را دوره بلاش از پادشاهان اشکانی می‌دانند. از مرحوم مؤید محسنی مقاله‌ای در نشریه فرهنگ سیرجان سال ۱۳۳۶ هـ-ش به جای مانده که درباره بنای شهر سیرجان مطلب زیر را نوشته است:

«نام آن سیرگان بوده و از آثار و بناهای خسرو ابن بلاش ابن موسی ابن هرمز نهمین پادشاه اشکانی است، که تقریباً دوپست سال پیش از زمان اردشیر بابکان سر سلسله ساسانیان و بانی گواشیر کرمان بوده و در استیلا اعراب او را معرب کرده و سیرجانش نامیدند.»

ژان گوره در کتاب خواجه تاجدار، شرحی از سیرجان می‌نویسد و مشخص می‌کند که سیرجان قبل از اشکانیان آباد بوده و توضیح می‌دهد که: «سیرجان قدیم بقول مورخین قدیم، از جمله سیسرون و کنزیاس طبیب و مورخ معروف که در دوره هخامنشیان می‌زیسته‌اند، دارای ده محله بوده و در هر یک از محلات آن شهر یک دسته از مردم زندگی می‌کرده‌اند.» اما آنچه مسلم است شهر سیرجان قبل از اشکانیان آباد بوده و آنطور که در تاریخ کرمان نوشته احمد علی خان وزیری آمده: «اسکندر در مراجعت از هندوستان از روی قلعه سنگ، که محل قدیم شهر سیرجان است، عبور نموده و از طریق بوانات به پاسارگاد رفته است.»

مؤسسه جغرافیایی کارتوگرافی سحاب که نقشه خط سیر لشکرکشی اسکندر را ترسیم و چاپ نموده خط سیر اسکندر را از هندوستان از روی «قلعه سنگ» سیرجان مشخص کرده و فاصله سیرجان تا پرسپولیس را ۳۲۴ کیلومتر، نوشته، اسکندر از پرسپولیس به پاسارگاد و از آنجا از طریق دربند فارس به شوش و از شوش به بابل رفته و در آنجا در گذشته است.

مقدسی در قرن چهارم هجری قمری، سیرجان را یکی از ولایات کرمان ذکر می‌کند. سه ولایت دیگر بردسیر (کرمان فعلی) نرماشیر و جیرفت بوده‌اند. در زمان عمرولیث صفاری، دو قنات در شهر سیرجان احداث شده، که مظهر آنها در شهر قدیم سیرجان بوده و علاوه بر استفاده زراعی، آب آشامیدنی شهر نیز از همین قنات تأمین می‌شده است. (همان-۱۶)

در معجم البلدان، جلد ۵، آمده است: «صفاریان و آل بویه را توجه خاصی به آبادی سیرجان و قنات بسیاری در آن حفر و احداث نموده‌اند. آب آشامیدنی شهر از دو قنات بوده که (عمرو) و (طاهر) فرزندان لیث احداث کرده‌اند، که در شهر داخل شده، باغ‌های آنان رو مشروب می‌سازند.» سیرجان تا زمان سامانیان مرکز ایالت کرمان بوده، و در نیمه دوم قرن چهارم، علی بن محمد بن الیاس مرکز ایالت را که سیرجان بود، برای اینکه به سامانیان که در خراسان بودند نزدیک‌تر باشد به شهر کرمان منتقل نموده است.

لسترانج در کتاب جغرافیای تاریخی خلافت سرزمین‌های شرقی می‌نویسد: «یاقوت در قرن هفتم گوید سیرجان دومین شهر کرمان است، چهل و پنج مسجد کوچک و بزرگ دارد و در این زمان قصرین شهر عمده آن ایالت بوده، و جغرافی نویسان عرب



نصویر ۲: محل قرارگیری سیرجان در ایران

آن را «السیرجان» نوشته‌اند و اگرچه امروز شهری به این نام وجود ندارد، اما منطقه سیرجان هنوز قسمت باختری ایالت کرمان را تشکیل می‌دهد و کرسی آن سعیدآباد است.»

لازم به تذکر است که لسترانج این کتاب را در سال ۱۹۰۵ میلادی نوشته که در آن زمان شهر سیرجان را سعیدآباد می‌گفتند. هنوز هم بعضی از مردم آنجا، بخصوص سالخوردگان دهات اطراف شهر سیرجان را سعیدآباد می‌نامند.

نام سیرجان از زمان حمله اسکندر و حتی قبل از آن یعنی در زمان هخامنشیان، در کتب تاریخی نوشته شده و در آن موقع آن را «شهریگان» می‌خواندند و در زمان فتح کرمان به وسیله مسلمانان به «شهریجان» تبدیل گردید.

در زمان ساسانیان این شهر را «سیرگان» نامیده‌اند. وجه تسمیه آن به «سیرگان» به این جهت است که دارای قنات‌های زیادی است که در زمان‌های پیش آباد شده و از حیث کان و کاریز تمام بوده. مقدسی می‌گوید: «سیرجان در زمان آل بویه از شیراز بزرگتر و با شکوه‌تر بود و دو بازار داشت، کهنه و نو، با سرمایه‌های هنگفت و پارچه‌های قماش که سیرجان از جهت آنها معروفیت خاص داشت همچنین کوچه‌های وسیع و عمارت‌های خوب و باغستان و هشت دروازه.» (ابوالقاسم حاتمی، ۱۵-۱۸)

سیرجان از جهت اینکه مرکز تقاطع راه‌های بین کرمان، فارس، بندرعباس، یزد و اصفهان بوده و کالاهایی که از بنادر جنوب ایران و بخصوص بندرعباس وارد می‌شده، از طریق سیرجان به داخل کشور حمل می‌گردیده، و براساس موقعیت مهم تجاری، و هم بخاطر زمین حاصل‌خیز و حفر قنات متعدد، دارای محصولات فراوانی، بخصوص گندم، پنبه و انواع میوه‌ها بوده و جمعیت زیادی داشته و بسیاری از مورخین آن را در ردیف شهرهای بزرگ شمرده و حتی از شیراز بهتر و زیباتر دانسته‌اند.

صاحب احسن التفاضل شمس‌الدین محمد البنا الشامی المقدسی، معروف به بشاری، شرحی مفصل در خصوص سیرجان نوشته و آن را بزرگ‌ترین شهرهای کرمان و آبادترین آن سامان دانسته است، اهالی آن را مردمی فهیم و دانشمند و صاحب مایه و ثروتمند محسوب نموده و هم نوشته است، که شهر سیرجان دارای هشت دروازه و دو بازار است که شگفت آور است و در بالای آن مناره از چوب ساختمانی است که قسمتی از آن همیشه در گردش است و همه سیرجان را دارای چندین شهر دانسته که غالب آنها را حصارهای محکم و مساجد زیبا بوده است.»

کتاب جهان نما در دو جلد در سال ۱۰۵۸ هجری قمری بوسیله حاجی خلیفه (کاتب چلبی) مصطفی بن عبدالمورخ و کتاب شناس ترک نوشته شده، درباره سیرجان می‌نویسد: «سیرجان در طول نود و نیم درجه و عرض بیست و نه و نیم درجه واقع است. بزرگترین شهر کرمان است در داخلش را آب هست. بنایش به علت کمی چوب همه گلی و گنبد دار است. در دو منزلی غرب جیرفت افتاده است. حصار محکمی دارد، در زمان هارون الرشید بنا گردیده است. در زمان خلفا والیان کرمان در آن شهر می‌نشستند. این حصار هشت دروازه دارد. «باب بهیابار»، که دروازه میدان است، «باب مرضی»، «باب میمند» که دروازه غرب است و بطرف مغرب باز می‌شود و در بیرون این قصر ویرانی وجود دارد که قصر حاجب خوانده می‌شود. این شهر دیوان و بازارهای مرتبی دارد. مردمش غالباً غنی، مالدار، تاجر پیشه‌اند، روستاها و نواحیش از آب چاه‌ها استفاده می‌کرده‌اند.»

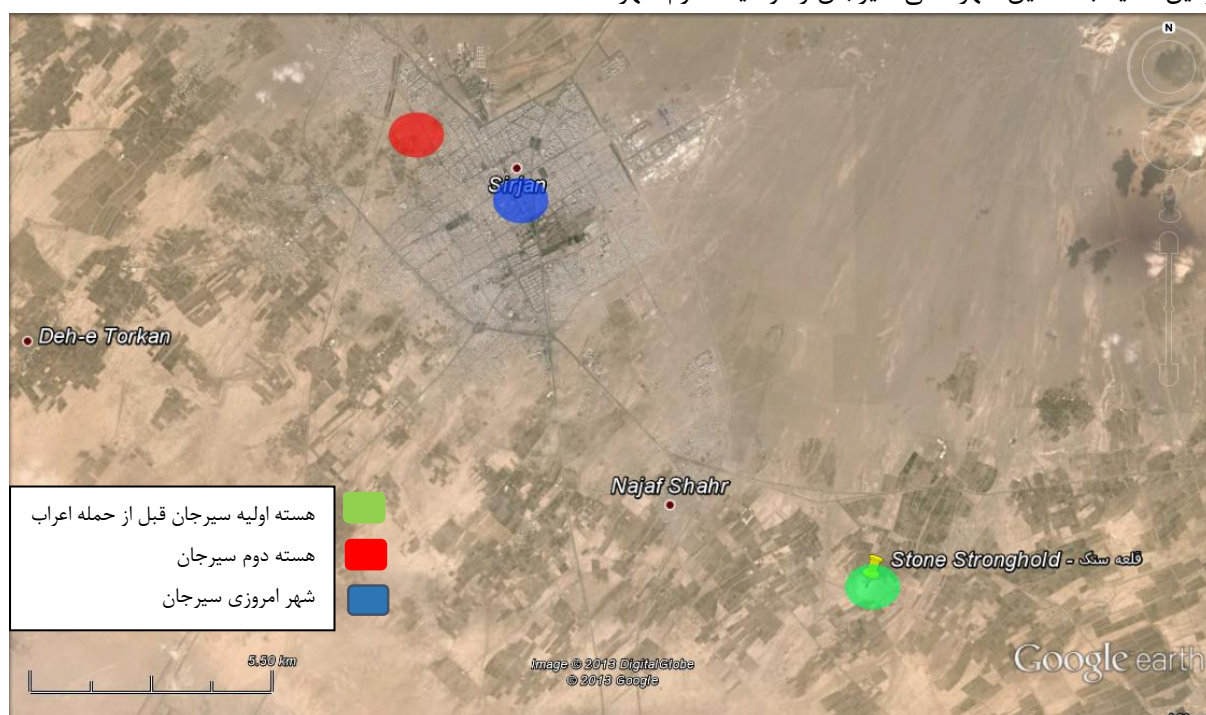
توضیحی که کاتب چلبی درباره شهر سیرجان می‌دهد مربوط به محل و موقعیت دوم شهر سیرجان است. بعد از اینکه شهر قدیم سیرجان در محل قلعه سنگ در سال ۷۹۶ هجری قمری به وسیله ایدکو سردار تیمور خراب و با خاک یکسان شد، اهالی این شهر آنچه باقی مانده بود به محل باغ بمید منتقل کردند و شهر سیرجان بر روی خرابه‌های شهر بمید ساخته شد. (همان، ۲۰-۲۱)

### پیدایش هسته اولیه شهر

در بررسی هسته اولیه شهر سیرجان اسناد مکتوب و آثار بجا مانده وضوح و روشنی، که لازمه دستیابی به شرایط همه جانبه زندگی شهری منطبق با این منابع است، را به دست نمی‌دهد. گاهی چنان افسانه‌ها مخلوط گردیده که تمایز حقیقت از آن را، تنها در تعمق همه جانبه می‌توان جستجو نمود و گاه تکرار مطالب در بین مکتوبات، محدودیت منابع اصلی را دوچندان می‌کند

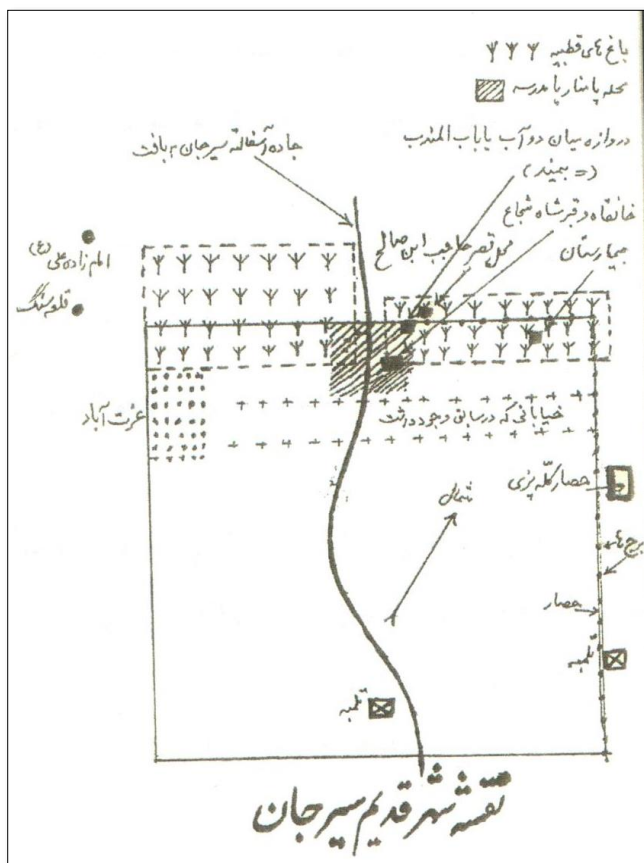
و در ضمن گرایش خاص نویسنده در توجه به گوشه‌ای از وقایع و افراد خاص باعث گردیده که تحول کالبدی شهر به صورت مستمر و مداوم قابل دریافت و پیگیری نباشد.

از ابتدای آبادی شهر سیرجان اطلاع دقیقی در دست نیست اما آنچه مشخص است «کنزیاس» طبیب و مورخ معروف، که در دوره هخامنشی در ایران می‌زیسته، در نوشته‌های خود از شهر سیرجان نام برده. شهر قدیم سیرجان در محل «قلعه سنگ» که در فاصله ۹ کیلومتری شهر فعلی سیرجان قرار داشته، تا سال ۷۹۶ هجری قمری آباد بوده و در این تاریخ بوسیله «ایدکو» سردار تیموری، که دو سال شهر را محاصره داشته، نابود و با خاک یکسان گردیده و مردم شهر آنچه باقی ماندند، در مقابل پرداخت هر نفر «ده دینار» آزاد و به محل باغ بمید منتقل شدند. موقعیت دوم شهر سیرجان در محل باغ بمید است، که مردم بر روی خرابه‌های شهر بمید، بازار، مسجد و کاروانسرا می‌سازند و زندگی خود را در این شهر جدید از سر می‌گیرند. اما باز هم در هجوم مردم افغان به کرمان، سیرجان هم مورد حمله و غارت قرار می‌گیرد، شهر تاراج و خراب می‌شود و از رونق و اعتبار می‌افتد تا میرزا سعید کلانتر در ۱۱۱۱ سال پیش در جنوب باغ بمید و نزدیک به آن دهی را آبادان نمود که سعید آباد نامیده شد و این سعیدآباد همین شهر فعلی سیرجان و موقعیت سوم شهر است.



نصویر ۳: هسته های شهری سیرجان

توضیحی که احمد خان وزیر در این باره می‌دهد سند بهتری بر این نوشته است: «قریه‌ای در اواسط، صحرای این بلوک بود، موسوم به بمید. در هشتاد سال قبل از تحریر این رساله میرزا سعید کلانتر آنجا دهی قریب به آن قریه آبادان نموده به نام سعیدآباد. چون در عرض راه شیراز و بیشتر محال فارس و کرمان و میانه بندرعباس و یزد واقع است به مرور ایام بر آبادانی آنجا افزود، بازارها و کاروانسراها ساخته شد. حمامات و مساجد متعدد بنا گردید. تجار و کسبه و اهل حرفه و صنایع از شیراز و یزد و



نصویر ۴: نقشه قدیم سیرجان

گواشیر و لارستان و سایر بلاد در آنجا متوطن شدند. حال تحریر که سنه ۱۲۹۱ هجری است سعیدآباد را شهر می‌توان گفت. از حیث جمعیت و آبادانی از سلطان آباد عراق و دولت آباد ملایر بیشتر و بهتر است. در این شهر هر وقت کسی بخواهد، چهار هزار من شکر یا هزار من قند یا دوهزار من تنباکو به آن واحد ممکن است. و در بعضی از بلدان مقدور نیست. از جمله همه نوع کسب و حرفه، اسواق و دکاکین متعدد دارد.»  
 باتوجه به تاریخی که احمد علی خان وزیر در باره آن توضیح داده که «۸۰ سال قبل از تحریر این رساله میرزا سعید آنجا دهی قریب به آن قریه آبادان نمود موسوم به سعیدآباد»، می‌توان نتیجه گرفت که با احتساب اینکه جغرافیای وزیر در سال ۱۲۹۱ هجری قمری نوشته شد، شهر سعیدآباد یا همین شهر فعلی سیرجان، در سال ۱۲۱۱ هجری قمری یعنی زمان سلطنت آقا محمد خان قاجار آباد شده و در واقع می‌توان گفت پس از آنکه شهر در محل باغ بمید خراب شده، به طرف جنوب گسترش یافته و شهر سیرجان در محل فعلی که موقعیت سوم شهر است بنا گردیده است. (همان، ۲۴-۲۵)

### خلاصه تحولات و اتفاقات مهم در تاریخ سیرجان

- عبور اسکندر مقدونی در سال ۳۲۶ قبل از میلاد از سیرجان
- فتح سیرجان بوسیله مسلمانان در سال ۳۱ هجری قمری
- تخریب قلعه سنگ (شهر قدیم سیرجان) به دست ایدکو سردار تیموری در قرن ۸ هجری قمری
- ورود افغانها و با خاک یکسان شدن باغ بمید و انتقال شهر سعیدآباد در عهد صفویه



## مراکز تاریخی سیرجان

### قلعه سنگ:

در واقع شهر قدیم سیرجان بوده که در حال حاضر جز دیوارهای فرو ریخته و منبر سنگی چیزی باقی نمانده و اگر آثاری موجود باشد، جز در دل خرابه‌ها و داخل ساختمان‌هایی که به صورت تپه‌های خاک درآمده‌اند، چیزی دیده نمی‌شود.



تصویر ۵: منبع سنگی واقع در قلعه سنگ

منبر سنگی قلعه سنگ، تنها یادگار شهر قدیم سیرجان است. این منبر با ارتفاع ۱/۵ متر و به وزن بیش از دو تن، از دوران سلطنت سلطان احمد مظفری (۷۸۹ هجری قمری) به یادگار مانده که هفت سال قبل از خرابی شهر قدیم سیرجان به این صورت حجاری شده است. قلعه سنگ بر روی کوه سفید آهکی، که در وسط جلگه سیرجان با ارتفاعی در حدود ۲۰۰ متر از سطح جلگه قرار دارد، بنا شده که محیط آن حدود ۴۰۰۰ متر است. بالای این کوه را مسطح نموده‌اند تا بتوانند ساختمان بسازند. این قلعه در اصل قلعه نظامی شهر بوده و ساختمان‌های شهر در اطراف قلعه و بخصوص در قسمت شرقی و شمالی آن تا حومه کهن شهر بنا گردیده است.

امروزه در بعضی جاها، بولدوزرها خاک آن را برای زراعت و به عنوان کود به باغ‌های اطراف می‌برند، قسمت‌هایی از دیوار اطاق‌ها و سقف‌ها نمایان می‌گردد.



تصویر ۶: تصویری از قلعه سنگ و برج و باروهای باقیمانده آن

در قسمت جنوبی قلعه خانه‌های عالی و منازل مرتفع با دیوارهایی بلند وجود داشته که محل سکونت اعیان و اشراف بوده است. در سمت شمالی آن خیابانی وسیع، از شرق به غرب امتداد داشته که در اطراف آن بازار، منازل مسکونی و تجارتخانه قرار داشته است.

در سمت شمالی، در نزدیکی‌های بالای این قلعه، سنگ را تراشیده و آن را به صورت صفه‌ای درآورده‌اند که به نام شاه نشین معروف است.

در قلعه مجلسی وجود داشته که در آن مومیایی پیدا شده است. این محبس در سمت جنوبی قلعه است و شکافی در آن وجود دارد که معدن مومیایی است.

در سمت غربی قلعه، مغازه‌ای است در کمر کوه که به طور طبیعی، توخالی و تشکیل دالانی طولانی داده و به جز همان راهرویی که دارد، دیگر منفذی بر آن نیست و به

همین دلیل کسی نمی‌تواند به منتهای آن برسد. ظاهراً اینجا زندان قلعه بوده است و اشخاص سیاسی را که از طغیان آنها بیم داشته‌اند، در این زندان حبس می‌کرده‌اند. این محبس محل زندانی امیر مبارزالدین محمد مظفر و سلطان شاه بوده است.

خلاصه شهری که قرن‌ها پابرجا بوده و هزاران انسان را در خود جای و پرورش داده و نیز قلعه‌ای مهم در ایران به شمار می‌رفته، بیش از شش صد سال است که ویران شده است. برای ساختن قلعه چون بردن مصالح ساختمانی برفراز کوه آن هم با شیب تند، کار مشکل و خسته کننده‌ای بوده، از ابتکار حمل مصالح ساختمانی به وسیله بز استفاده می‌کرده‌اند، به طوری که بر پشت بزها خورجینک‌هایی انداخته و داخل هر خورجین یک یا دو آجر می‌گذاشته و بزها را روانه بالای کوه می‌کرده‌اند و در بالا کارگرانی بودند که بار آنها را خالی و مجدداً آنها را روانه پایین می‌کرده‌اند و این کار دوباره تکرار می‌شد. (وثوقی رهبری،

## شاه فیروز سیرجان



تصویر ۷: شاه فیروز

شاه فیروز گنبد هشت پایه ای است که با آجرهای به طول و عرض ۲۹ سانتی متر و ضخامت ۵ سانتی متر به طرز زیبایی ساخته شده است. این گنبد که بر تپه سنگی سیاه بنا شده است آتشکده یا آتشگاهی در عهد ساسانی بوده است. در این بنا تاق درگاهها جناقی و طرز ساخت آن شباهت به بناهای دوره اسلامی دارد. ولی بیشتر به نظر می رسد که بر شالوده یک آتشکده بنیاد شده است. سقف گنبد نیز دو لایه دارد. گریشمن می نویسد: برج مقدس آتشکده فیروزآباد که گروه مومنان با آتش مقدس آتشکده در زیر گنبد آتشگاه در ظرفی آتش بر می افروختند و زیر گنبد فیروز حفره ای در سنگ تراشیده که طول و عرض ۰,۴ در ۱,۵ متر و عمق آن ۰,۴ است که احتمالا آتشدان بوده است. (وثوقی رهبری، ۱۴۱، ۱۳۷۲)

## قلعه خالکوه سیرجان



تصویر ۸: نمای داخلی قلعه خالکوه

در ۱۲ کیلومتری شمال پاریز و بر سر راه آسفالت پاریز به سرچشمه صخره ای عظیم و نسبتا بلند قد برافراشته که به «کوه شاه خیرا...» یا «شاه خلیل ال...» یا «کوه عروس» یا به قول دکتر باستانی پاریزی در کتاب یعقوب لیث «خوهل کوه یا خال کوه» معروف است. در ۳ کیلومتری غرب این کوه و در موقعیت ۵۵ درجه و ۴۰ دقیقه و ۲۱ ثانیه طول و ۲۹ درجه و ۵۷ دقیقه و ۴۱ ثانیه عرض جغرافیایی و ۲۲۸۶ متر ارتفاع از سطح دریا آثاری از چند اتاق دخمه ای و محوطه ای دارای سفال های لعابدار و منقوش مشابه سفال های سده های اول اسلامی دیده می شود.

در ۵۰۰ متری شمال این محوطه نیز قبرستانی وجود دارد که سنگ های مرمر و کتیبه های روی آنها تا حدی قدمت آنها را مشخص می کند. مجموعه یاد شده گویای این واقعیت است که در اوایل اسلام تا دوره صفوی مردمانی در این منطقه مستقر بوده اند. خانه های آنها دخمه ای بوده است و همچنین قلعه ای برای دفاع در مقابل تجاوزگران داشته اند که فعلا اثری از آن باقی نمانده است و تنها آثار قبرستان آنها قطعات شکسته سنگ مرمر کتیبه دار است. متأسفانه لوله گذاری جهت انتقال گاز از ارسنجان به رفسنجان از روی قلعه می گذشته و کند و کاوها برای استقرار لوله های گاز باعث تخریب بیش از پیش قلعه خال کوه شده است.

حدود ۲ کیلومتری جنوب قلعه خال کوه و در میان دره ای معروف به چاه سومو در یک نقطه کاملا مشخص مقدار زیادی سرباره های کوره ذوب مس روی هم ریخته است. این سرباره ها حاکی از این است که در این مکان مس استخراج می شده است. محدوده قلعه خال کوه هم اکنون در اختیار عشایر و گلهداران پاریز است. یک رسم قدیمی در میان این عشایر وجود دارد که احتمالا مربوط به قبل از اسلام و اعتقادات میتراثیسم بوده است. مردم در روز چهلم (چهل روز بعد از نوروز) یعنی نهم اردیبهشت در کنار این کوه جمع شده و آش شیر می پزند. آنها معتقدند پختن آش شیر و توزیع آن در میان مردم باعث برکت و افزایش محصولات دامی خواهد شد. قبل از این تاریخ از شیر استفاده اقتصادی نمی کنند و فقط در حد مصرف داخلی و خانوادگی گوسفندان را می دوشند و بقیه شیر را سهم بره ها و بزغالها می دانند، از روز نهم اردیبهشت و پس از پختن آش شیر، دوشیدن گوسفندان برای تهیه کشک، کره، روغن و فروش آغاز می شود.

امروزه عشایر مسلمان خواجه خضر پیامبر را واسطه و عامل برکت کار خود می دانند. در این کوه غاری است که صورت قبری در آن دیده می شود و در گذشته مردم آن را زیارت می کردند. (<http://shahresirjan.mihanblog.com>)

## پیر چهل تن

کرکوثیه یکی از روستاهای دهستان سعادت آباد از بخش پاریز شهرستان سیرجان است. این روستا در جنوب روستای سوخته چال و شرق فیروزآباد واقع شده است. نزدیکی روستای کرکوثیه (کریکو) و چهار کیلومتری جنوب سد خاکی تنگوثیه و در

موقعیت ۵۵ درجه و ۵۷ دقیقه و ۶/۷۶ ثانیه طول و ۲۹ درجه و ۳۵ دقیقه و ۱/۷۷ ثانیه عرض جغرافیایی روی یکی از تپه ماهورها اطفاکی با دیوارهای کوتاه و بدون سقف وجود دارد که مردم به آن پیر چهل تن می‌گویند.

پیر چهل تن از دو چهار دیواری تشکیل شده که سنگ‌های دیوارها بدون ملاطی بسیار سست روی هم چیده شده‌اند. در میان یکی از چهار دیواری‌ها به صورت قبری از گچ ساخته شده و مردم آنرا زیارت می‌کنند. چهار دیواری دوم از قبر خالی است و فقط مخصوص ادای نماز و دعا و نذر و نیاز است.

بدلیل سستی پایه‌ها و دیوارها امکان احداث سقف و پوشش روی قبر وجود ندارد به همین دلیل مردمان محلی معتقدند پیر سقف قبول نمی‌کند و دوست دارد قبرش در فضای باز و نور مستقیم خورشید باشد.

به احتمال زیاد تپه‌ای که آرامگاه پیر چهل تن روی آن قرار دارد قبرستانی مربوط به عشایر منطقه بوده و در سالهای بسیار دور تدفین‌هایی در آن صورت گرفته است. شاید در سال‌های گذشته یکی از این قبور نظر اهالی را جلب کرده و یا قبر مربوط به فردی قابل احترام بوده و به عنوان محلی مقدس مورد توجه واقع شده است. امروزه هیچ اثری از قبرستان احتمالی روی این تپه دیده نمی‌شود.

آثار مربوط به پیر چهل تن هیچگونه ارزش تاریخی و یا هنری ندارد ولی از دیدگاه مردم شناسی قابل توجه و مطالعه است.

(<http://shahresirjan.mihanblog.com>)



منابع و مواخذ:

- بختیاری علی اکبر-سیرجان در آیینه زمان-مرکز کرمان شناسی-۱۳۷۸
- حاتمی ابوالقاسم-سیرجان قدیم مرکز صنعت و هنر اسلامی- مرکز کرمان شناسی-۱۳۸۰
- خیراندیش محمد حسین--سیرجان در خشت خام(نیم قرن پیش)- مرکز کرمان شناسی-۱۳۸۴
- وثوقی رهبری علی اکبر-تاریخ سیرجان- مرکز کرمان شناسی-۱۳۷۲
- <http://shahresirjan.mihanblog.com>